علل عدم همسویی سیاست جنایی قضایی و تقنینی در جرایم مرتبط با مواد مخدر با رویکرد حقوقی–اخلاقی

منا حسین پوری[1]، دکتر یزدان نصرتی[2*]
۱. دانشجوی دکتری گروه حقوق، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.
۲. گروه حقوق، واحدکرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

(تاریخ دریافت:۹۸/۱۰/۲۳،تاریخ پذیرش:۹۸/۱۲/۱۶)

مقاله مروری

چکیده

زمینه: بازخوانی رویکرد مقنن کیفری در خصوص ضابطه تحقق تکرار جرم و میزان تشدید مجازات مجرمین مکرر، حکایت از ان دارد که قانونگذار اولاً در قوانین مختلف از ضوابطی برای شمول وصف تکرار جرم استفاده کرده است وثانیاً در برخی موارد همچون جرائم مواد مخدر بنا به دلایلی نحوه و میزان مشخصی از تشدید را مورد توجه قرارداده است که با آنچه در قواعد تکرار جرم در قانون مجازات اسلامی آمده است تفاوت مشهودی دارد. بدین منظور این مقاله با هدف بررسی علل عدم همسویی سیاست جنایی قضایی و تقنینی در جرایم مرتبط با مواد مخدر به رشته تحریر در آمده است .

نتیجه‌گیری: از مهترین علل عدم انطباق و همسویی سیاست جنایی قضایی و تقنینی در جرایم مرتبط با مواد مخدر می‌توان به برخی موارد غیر اخلاقی و ناعادلانه همچون تعیین مجازات‌های شدید به خصوص در زمینه مجازات اعدام، عدم تناسب جرم با مجازات، عدم استقلال قاضی، عدم رعایت اصول کیفردهی عادلانه توسط مقنن و تمسک به کیفرهای عوام گرا، اثرپذیری دستگاه قضا از افکار عمومی و ضعف و نقصان در امکانات ابزاری اشاره کرد که با مرتفع نمودن هر کدام از این عوامل می‌توان مشکلات مهم در زمینه سیاست جنایی مواد مخدر که تعارض سیاست جنایی تقنینی با سیاست جنایی قضایی است را مرتفع نموده و بدین ترتیب عدالت را برقرار کرد و اگر به این علل نوجه نشود امر مبارزه با جرائم مختل گشته و از مسیر اخلاقی و عادلانه مورد نظر بیش از پیش خارج خواهد شد.

کلیدواژگان: *سیاست جنایی قضایی، سیاست جنایی تقنینی، رویکرد اخلاقی*

سرآغاز

در سیاست گذاری کیفری[1]، انچه بیش از هر چیز باید مدنظر مقنن باشد توجه به رعایت عدالت[2] و اخلاق گرایی[3] است. یکی از مظاهر عدالت ورزی توسط مقنن این است که مجازات های سنگینی همچون اعدام، علیه جرائمی به کار برده شود که از لحاظ شدت، مکافات ناپذیر به نظر می رسند و تحمیل یک ضمانت اجرای کیفری شدید در مورد آنها به منظور پاسداری از نظم عمومی ضروری باشد(۱). در هر نظام سیاست جنایی[4]، سیاست جنایی قضایی با فاصله یا تعارض‌هایی که با شاخه‌های دیگر سیاست جنایی در آن پدید می‌آید، یا با رویه‌های عملی دستگاه قضایی در قلمروهای مختلف شکلی و ماهوی، بخش متمایزی از سیاست جنایی را تشکیل می‌دهد. لکن، این تمایز و ویژگی در نظام قضایی پس از برقراری جمهوری اسلامی ایران، برجسته‌تر بوده و زمینه-های بیشتری را شامل شده است.

پیاده کردن یک نظام هنجاری[5] مذهبی در کشوری که با انقلابی مذهبی، یک نظام سیاسی (و قضایی) متأثر از نظام‌های حقوقی غربی را پشت سر گذاشته است باعث ایجاد تعارضاتی بین هنجارهای حقوقی از طرفی، و هنجارهای اجتماعی و واقعیت‌های عینی، از طرف دیگر، شده است. همین امر سیاست جنایی قضایی را از سیاست جنایی تقنینی متمایز و احیاناً متعارض ساخته است. این در حالی است که وصول به اهداف سیاست جنایی تقنینی در گرو همسویی سیاست جنایی قضایی با آن است. اگر این همسویی بین مراجع تقنینی و قضایی نباشد یا متزلزل شود، امر مبارزه با جرائم مختل گشته و از مسیر اخلاقی و عادلانه مورد نظر خارج خواهد شد. مقاله حاضر کوششی برای بررسی مهم‌ترین علل و عوامل عدم انطباق کامل و یا حتی- تعارض سیاست جنایی قضایی و سیاست جنایی تقنینی در جرایم مواد مخدر است.

نویسندهٔ مسئول: نشانی الکترونیکی: Nosratiyazdan@ut.ac.ir

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1399.15.3.5.5]

مطالعه سیاست تقنینی و قضایی ایران درخصوص جرائم مواد مخدر از این نظر واجد اهمیت است که امکان ارزیابی سیاست جنایی حاکم و شناسایی آسیب های آن را در راستای بهبود و ارتقای آن فراهم می آورد.

اهمیت عدالت ورزی و اخلاق مداری در امر قضاوت و قانون گذاری

عدالت مفهومی است که بشر از آغاز تمدن خود می شناخته و برای استقرار آن کوشیده است . عدالت مفهومی است اخلاقی، پس تمام عواملی که در اخلاق[۶] هر قوم مؤثر است، در عدالت ورزی آن قوم نیز اثر دارد. قواعد عدالت فطری و ثابت نیستند و اعتقادهای مذهبی[۷] و عواطف نیز در آن سهم مؤثری دارند. بنابراین در تشخیص عدالت نمی توان تنها به نیروی عقل اعتماد کرد (۲و۳) . در شیوه ارسطویی جستجوی عدالت، با واقع‌گرایی[۸] است و پایه آن مشاهده و تجربه است (۴و۵) و بی شک باید این امر را مورد توجه قرار داد که، درست است که هر انسان متمدنی در برابر حوادث اجتماعی در خود احساس عدالت می کند، و نیز درست است که گاه، داوری های خصوصی و پراکنده چنان به هم شبیه است از مجموع آنها می توان قواعدی نوعی استخراج کرد، ولی نباید افکار عمومی را میزان تشخیص عدل و ظلم قرار داد. ذهن ساده عرف، قادر به تحلیل تمام مسایل اجتماعی نیست و گاه گرفتار احساساتی می شود که از عقل بدور است. نیروی عقل را باید به یاری تجربه و مطالعه آبیاری کرد، و ذهن کسانی قادر به تشخیص عدالت است که در امور اجتماعی بینش و تجربه کافی اندوخته باشند. همان گونه که برای ارزیابی آثار هنری به کسانی رجوع می شود که ذهنشان آماده تمایز زشتی و زیبایی است، کسی که به دنبال قواعد عدالت است هم باید در پی اشخاص باشد که صلاحیت جدایی درست از نادرست را داشته باشند . داوری های عامیانه ممکن است در پاره ای از امور ساده و ابتدایی درست باشد، ولی نمی توان همیشه به آن اعتماد کرد (۲).

از همین روست که متولیان امر قضاوت و قانون گذاری باید افرادی متخصص و با تجربه باشند تا توان برقراری عدالت و اخلاق را داشته باشند. جایگاه قضاوت از جمله مشاغل نادری است که تصدی آن علاوه بر تخصص و علم، نیاز به کسب ملکه عدالت و اخلاق دارد. شاید یادآوری بیان مشهوری از علی (ع) خالی از لطف نباشد، آن‌جایی‌که ایشان ضمن این‌که شأن قضاء را از آن خداوند، رسول یا اولیاء الهی می‌داند، قضات را به چند دسته تقسیم می‌فرماید و تنها قضاوتی را خداپسندانه می‌داند که هم حق، هم به علم باشد. همچنین، با مطالعه تاریخچه حقوق میتوان به میزان تأثیر اخلاق و نقشی که در قانونگذاری دارد دست یافت، چراکه برای قانونگذاری مبانی فراوانی شناسایی گردیده، به نظر یکی از مهمترین این مبانی میتواند اخلاق باشد. اهمیت اخلاق مداری در امر قضاوت و قانونگذاری بر مبنای روابط میان اخلاق و حقوق به خوبی قابل تشخیص است.

دو دیدگاه کلی نسبت به ارتباط حقوق و اخلاق در مکاتب حقوقی وجود دارد، یکی دیدگاه پوزیتیویسم حقوقی و دیگری ضد پوزیتیویسم حقوقی یا حقوق طبیعی[۹] است .بنابر نظر پوزیتیویسم حقوقی[۱۰]، همواره حقوق بر اخلاق مقدم بوده و پایبند به قلمرو حقوقی مبتنی بر مبانی واقعی خارجی است و توجهای به علم درون، نفس و وجدان ندارد، لذا هدف آن فقط برقراری نظم و امنیت با اعمال زور و قدرت است پس حقوق ارتباطی به اخلاق ندارد. که بی شک چنین تفکری حوزه قضاوت و قانون گذاری را از هدف اصلی آن یعنی عدالت منحرف می کند. اما بنابر مبانی نظری حقوق طبیعی تمامی قوانین عادلانه بشری بر مبنای اخلاق و وجدان درونی استوار گردیده و اخلاق به علت نامأنوس بودنش با نظام حقوقی به عنوان یک نظام دستوری مستقل عمل میکند و به قانونگذار عادل خط و مشی میدهد.(۶).

اهمیت همسویی سیاست جنایی قضایی و قانون گذاری در حوزه مواد مخدر

سیاست جنایی از زمان ظهور انگاره های آن در لسان بانیان و نظریه پردازان، به نوعی تدوین خط مشی و اصول کلی راهبردی کنترل و پاسخدهی سنجیده به جرم، در سایه ی به کارگیری ابزارهای ویژه و منطبق با شرایط خاص گفته شده است که همواره تحت تأثیر بنیادهای فکری و تئوریهای برخاسته از آنها، دستخوش تغییرات و تحولات بنیادین قرار گرفته است. این اصطلاح توسط فوئر باخ آلمانی در سال ۱۸۰۳ در معنا و مفهوم مضیق سیاست کیفری، به مجموعه علوم جنایی وارد شد (۷). برای دستیابی به عدالت که همانا هدف اصلی سیستم قضا است سیاست های قضایی و قانونگذاری باید با هم همسو باشند. این مهم در رابطه با سیاست های جنایی قضایی و تقنین در حوزه مواد مخدر نیز اهمیت فراوان دارد.

با نگاهی کاونده به پیشینه قانونگذاری ایران در حوزهٔ مواد مخدر مشخص می شود که تا سال ۱۲۹۰، مواد مخدر تابع نظام حقوقی نبود و در زمره کالاهای مجاز قرار داشت. از سال ۱۲۸۹ بود که به دنبال سیاست نظم بخشی به کشت و مصرف مواد مخدر، قوانینی در این رابطه تنظیم شد که بیشتر در رابطه با کشت مواد مخدر و توزیع آن با هدف ایجاد اخذ مالیات از مردم بود. اما پس از مدتی با افزایش اعتیاد در میان مردم و فشارهای گروه های اجتماعی و مراجع بین المللی، کشت و توزیع مواد مخدر به عنوان جرم مطرح شد . واکنش مقنن ابتدا با تعیین مجازات جزای نقدی شروع شد و در برخی موارد جزای نقدی با مصادرهٔ مواد مخدر ممنوعه و حبسهای کوتاه مدت همراه بود و به مرور با اصلاح قوانین بر میزان و شدت مجازاتها افزوده میشد. روند افزایش میزان مجازاتها در مورد جرائم مواد مخدر در سال ۱۳۳۸ به اوج خود رسید و مقنن در این سال با تعیین مجازات اعدام، مبارزه با قاچاق مواد مخدر را وارد مرحلهٔجدیدی کرد (۸).

مقنن باید در سیاست گذاری های خود به این نکته توجه کند که مجازات های سنگین را برای جرائم مکافات ناپذیر تعیین کند در غیر اینصورت ممکن است در عمل قضات سعی کنند قانون سخت گیرانه را با واقع بینی و تحت فشار افکار عمومی و همسویی با آن تعدیل نمایند. بدین ترتیب ناهمسویی حتمی و غیر قابل توجیهی میان مقنن و قانون

مقاله مروری
فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال پانزدهم، شماره ۳، ۱۳۹۹
[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.22517634.1399.15.3.5.5]

گذار ایجاد می شود. در ادامه مقاله سعی شد بر اساس منابع موجود علل عدم همسویی سیاست جنایی قضایی و تقنینی در جرایم مرتبط با مواد مخدر از رویکرد حقوقی-اخلاقی لیست شود.

علل عدم همسویی سیاست جنایی قضایی و تقنینی در حوزه جرایم مواد مخدر

۱-تعیین مجازات های شدید در جرایم مرتبط با مواد مخدر:

تعیین مجازات های شدید در عمل موجب عدم اجرا یا اجرای تبعیض آمیز آن شود. مروری بر رویه قضایی نیز بیانگر آن است که وقتی قضات مجازات پیش‌بینی شده در قانون را با جرم ارتکابی متناسب ندانند، درصدد اعمال کیفیات مخففه و استناد به مواد قانونی با مجازات ملایم‌تر برمی‌آیند. برای نمونه، در پرونده‌های قاچاق مواد مخدر[11] مستوجب اعدام (هرگاه محرز شود مرتکبین جرایم موضوع بند ۴ این ماده بار اول مرتکب این جرم شده و موفق به توزیع یا فروش آنها هم نشده و مواد، بیست کیلو یا کمتر باشد دادگاه با جمع شروط مذکور آنها را به حبس ابد و هفتاد و چهار ضربه شلاق و مصادره اموال به استثنای هزینه تأمین زندگی متعارف برای خانواده آنها محکوم می‌نماید. در اوزان بالای بیست کیلوگرم مرتکبین تحت هر شرایطی اعدام می‌شوند)، قضاتی که نقش و سهم برخی از قاچاقچیان را در فعالیت‌های مجرمانه متناسب با مجازات اعدام نمی‌دانند از عنوان مجرمانه دیگری که مشمول مجازات اعدام نیست، استفاده می‌کنند (۹). تحلیل محتوای احکام قضایی نشان می‌دهد که قضات اغلب مایلند موارد مشمول مجازات اعدام را با استناد به تبصره بند ۴ ماده ۴ و تبصره ۱ بند ۶ ماده ۲۸ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر (هرگاه محرز شود مرتکب جرم موضوع بند ۶ این ماده برای بار اول مرتکب این جرم شده و موفق به توزیع یا فروش آن هم نشده در صورتی که میزان مواد بیش از یکصد گرم نباشد با جمع شروط مذکور یا عدم احراز قصد توزیع یا فروش در داخل کشور با توجه به کیفیت و مسیر حمل، دادگاه به حبس ابد و مصادره اموال به استثنای هزینه تأمین زندگی متعارف برای خانواده محکوم، حکم خواهد داد) و اصلاحیه ۱۳۹۶ محکوم کنند و در مواردی که این انطباق ممکن نیست، با استناد به ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی حکم اعدام را به حبس ابد تخفیف دهند .در واقع قضات صادر کننده حکم اعدام نهایت تلاش خود را به کار می‌گیرند تا از ظرفیت‌های قانونی موجود نهایت استفاده را برای دور زدن مجازات اعدام ببرند. در این خصوص پژوهشگران آمارهایی هم ارائه داده‌اند (۱۰) که از تکرار آنها خودداری شده و فقط خلاصه آنها ذکر می‌شود.

در پژوهشی یکصد و بیست پنج هزار پرونده مواد مخدر که مورد بررسی قرار گرفت، که مشخص شد ۲۰۰۰ فقره آن منجر به صدور حکم اعدام برای متهمان شده است. از این تعداد حکم اعدام نیز فقط ۱۲ درصد به اجرا گذاشته شده است و بقیه یا مشمول عفو واقع شده یا به دلیل واقع-بینی دیوان‌عالی کشور نقض شده‌اند (۱۱). در پژوهش دیگری مشخص شده است که از سال ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۷ برای نزدیک به یک الی دو سوم از احکام تأیید شده اعدام، تقاضای عفو شده است و با مراجعه به آمار اعدامیان سازمان زندان‌ها در زمان اجرای احکام صادره، دوباره ۱۰ درصد آنها اجرا نگردیده است یا برخی مواقع فقط یک چهارم آنها به مرحله اجرا درآمده است. یعنی ۷۵ درصد از این اجرا نشده است (۱۰). در پژوهشی در سال ۱۳۷۸ و ۱۳۷۹ به ترتیب از بین ۱۵۸۶۹ و ۱۳۲۵۲ متهمان مستحق مجازات اعدام، فقط به ترتیب ۱۷۲۵ و ۲۳۹۰ مورد حکم اعدام صادر شده و از بین موارد مذکور فقط ۴۰۴ و ۴۰۳ مورد تایید و از این میان ۲۲۴ و ۲۲۶ مورد اجرا شده است (۱۱). در نمونه دیگری مشخص شده است که در سال‌های ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷ در ۷۰ درصد پرونده‌های قاچاق تریاک و ۹۰ درصد پرونده‌های قاچاق هروئین حکم اعدام به جهات و دلایل مختلف به حبس ابد تبدیل شده است (۱۲).

پس یکی از علل و دلایل مهم در زمینه تعارض و عدم انطباق سیاست جنایی تقنینی با سیاست جنایی قضایی ناشی از شدت مجازات‌های مذکور در قانون مبارزه با مواد مخدر به خصوص مجازات[12] اعدام است. در حالی که وصول به اهداف سیاست جنایی تقنینی در گرو همسویی سیاست جنایی قضایی با آن است. اگر این همسویی بین مراجع تقنینی و قضایی نباشد یا متزلزل شود، امر مبارزه با جرائم مختل گشته و از مسیر مورد نظر خارج خواهد شد. به خصوص زمانی که قانون جزایی از نظر توجیه اجرای مجازات، منطبق و هماهنگ با باورهای دست اندرکاران دستگاه عدالت کیفری به ویژه قضات نباشد ، تبدیل به یک قانون خنثی و ناموفق خواهد شد (۱۳). بنابراین قانونگذار[13] در وضع مجازات‌ها باید با توجه به میزان قبح اجتماعی جرائم، ضمانت اجرایی مناسب را در نظر بگیرد تا مجریان در اجرای آن با اختلال مواجه نشوند، زیرا هرچند قضات مجری قانون‌اند و هرآنچه قانون بگوید اجرا می‌کنند، اما در صدور آرای قضایی، نیروی دیگری نیز دخالت دارد (۱۴). نیرویی که در مقابل جبر بیرونی قانون از ندای درونی بشر برمی‌خیزد و آن ندای درونی، وجدان دادرس است که از وی می‌خواهد رأی را با عدالت منطبق سازد، چه همواره قوانین عادلانه به نظر نمی‌رسند و با عدالت منطبق نیستند. ناکامی سیاست‌های کیفری سخت‌گیرانه و فاقد مبنای علمی در دست‌یابی به هدف کنترل جرایم مواد مخدر، گاهی موجب می‌شود طرفداران این اندیشه به جای ارزیابی علمی و شناسایی علل ناکارآمدی این پاسخ‌ها درصدد فرافکنی برآیند و ریشه‌های این شکست را به عوامل خارجی و توطئه‌های دشمن نسبت دهند. این رویکرد به نحو بارزی در گفتمان مقام‌های رسمی سیاست جنایی متجلی شده و دامنه آن به پژوهش‌ها و محافل دانشگاهی نیز کشیده شده است. هرچند نقش گروه‌های سازمان یافته بین‌المللی در گسترش بازارهای خرید و فروش مواد مخدر و سودهای هنگفت ناشی از آن انکارناپذیر است، ولی نادیده انگاشتن بسترهای فرهنگی- اجتماعی و خرده فرهنگ‌های ترغیب کننده مصرف مواد مخدر در میان گروه‌ها و اقوام مختلف جامعه نوعی ساده‌سازی بیش از اندازه پدیده اعتیاد و راه‌های کنترل آن است.

۲- عدم تناسب جرم با مجازات در جرایم مرتبط با مواد مخدر

یکی از مهم‌ترین علل عدم همسویی سیاست جنایی قضایی و تقنینی عدم رعایت تناسب بین جرم و مجازات در قانون مبارزه با مواد مخدر و اصلاحیه ۱۳۹۶ وارد است؛ به‌عنوان نمونه طبق بند۳ ماده ۴ این قانون

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1399.15.3.5.5]

اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ و اصلاحیه آن در سال ۱۳۹۶، مجازات فروش ۵ کیلوگرم تریاک، پانزده سال حبس است، ولی مجازات فروش ۵ کیلو و یک‌گرم تریاک، اعدام است و سیاست‌گذاران امور مبارزه با موادمخدر توضیح نداده‌اند که خطر حاصل از یک گرم اضافی چیست که متهم را در معرض اعدام قرار می‌دهد یا با کم شدن یک گرم چه میزان از خطر ناشی از عمل متهم کم می‌شود که مجازات وی از اعدام به ۱۵ سال حبس کاهش می‌یابد. وجود چنین مجازات‌های سخت‌گیرانه و نامتناسبی در عمل موجب شده است بسیاری از قضات با رویه تقنینی هماهنگی نداشته باشند و در موارد متعددی از صدور حکم اعدام اجتناب کنند؛ آن‌گونه که برخی از پژوهش‌ها (۱۵) نشان می‌دهد رویه قضایی با دوری‌گزینی از سیاست تقنینی[۱۴] سخت‌گیرانه، به شیوه‌های گوناگون درصدد انطباق رفتار مجرمانه با مواردی است که مجازات کمتری دارد.

۳- عدم استقلال قاضی در صدور احکام مرتبط با جرایم مواد مخدر

از دیگر دلایل عدم تطابق سیاست جنایی تقنینی با سیاست جنایی قضایی را می توان خدشه دار شدن استقلال قضات با واکنش دستگاه قضایی برای حل بحران ناشی از تورم جمعیت کیفری زندان‌ها از طریق ارشاد و گاهی الزام قضات به تعیین مجازات‌های غیر سالب آزادی و کم هزینه مانند شلاق بوده که سبب عدم استقلال قاضی در صدور رای می شود. برای نمونه، بند ۵ بخش‌نامه شماره ۱/۸۱/۱۲۰۳۷ – ۱۳۸۱/۶/۲۱ ریاست قوه قضائیه تاکید می‌کند «در مورد متهمین به اعتیاد از دادن کیفر حبس حتی الامکان خودداری و از کیفر شلاق پیش‌بینی شده در قانون به عنوان عاملی بازدارنده استفاده و در انتخاب محل و نظارت بر اجرای حتمی و میزان تأثیرگذاری آن، دقت گردد». تأکید بر این راه حل در بند ۴ بخش‌نامه شماره ۱/۸۱/۱۳۳۹۴ – ۱۳۸۱/۷/۱۵ رئیس قوه قضائیه نیز تکرار شده است. بر اساس بند مذکور «در اجرای ماده ۱۶ قانون مبارزه با مواد مخدر قضات محاکم انقلاب از تبدیل شلاق یا جزای نقدی معتادان مواد مخدر به حبس خودداری نمایند» (۱۶). در واقع، اتخاذ این سیاست‌های قضایی نوعی عقب نیشینی در برابر مشکلات عملی ناشی از اجرای قوانین کیفری است. صرف‌نظر از جایگاه قانونی این سیاست‌ها، تا کنون جنبه‌های بازدارندگی مجازات شلاق در هیچ یک از پژوهش‌های علمی در مورد معتادان به اثبات نرسیده است.

۴- عدم رعایت اصول کیفردهی عادلانه توسط مقنن و تمسک به کیفرهای عوام گرا در جرایم موادمخدر

رسانه‌های خبری اغلب مصرف‌کنندگان موادمخدر را افرادی هرزه، منحرف و بطور بالقوه‌ای خشن نشان می‌دهند. به گونه‌ای که استفاده از موادمخدر و قاچاق موادمخدر « تهدیدی برای جوانان» است که طبقه متوسط، والدین و میان‌سالان را هدف می‌گیرد. این تصویر، سیاست صدور مجازات‌های تنبیهی را توجیه می‌کند. سیاست‌مداران از پیوند میان استفاده از موادمخدر و خشونت برای پشتیبانی از سیاست خود در « جنگ با موادمخدر» استفاده می‌کنند (۱۷). در ایران نیز با توجه به شمار معتادان و هم‌چنین گرایش جوانان به مصرف موادمخدر، این مسأله تبدیل به دغدغه بیشتر خانواده‌ها شده است (۱۸). به‌عنوان نمونه، بر اساس پژوهشی درباره نگرش مردم به سوءمصرف موادمخدر در کشور که بین سال ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴ در ۲۴ استان کشور (ارومیه، اصفهان، اهواز، بندرعباس، بوشهر، تبریز، تهران، خرم‌آباد، رشت، زاهدان، زنجان، ساری، سنندج، شهرکرد، شیراز، قزوین، قم، گرگان، مشهد، همدان، یزد، کرج، کرمان، کرمانشاه) و در مرکز تحقیقات آموزش و فناوری اطلاعات دبیرخانه ستاد مبارزه با موادمخدر به اجرا درآمد، پاسخگویان معتقد بودند که میزان مصرف موادمخدر در کشور بیش از سرانه مصرف جهانی است. در حالی که ۷۶ درصد پاسخگویان معتقد بوده‌اند که مصرف مواد مخدر در جهان زیاد یا خیلی زیاد است. ۸۱ درصد از آن‌ها چنین نظری را درباره کشور داشته‌اند. درباره علت مصرف موادمخدر ۹۰ درصد از پاسخگویان وجود دوستان ناباب، ۸۲ درصد وجود خانواده معتاد، ۸۰ درصد محل زندگی آلود، ۷۷ درصد بیکاری و ۶۷ درصد طلاق را مهم‌ترین عوامل گرایش به مصرف موادمخدر عنوان کرده‌اند. این علل همگی مرتبط با حوزه اجتماعی‌اند و در واقع پاسخگویا مصرف موادمخدر را برآمده از عوامل برونی و اجتماعی می‌دانند. همین‌طور، بیشترین نگرانی از مصرف موادمخدر در میان جوانان و نیز از توزیع موادمخدر در میان جوانان ابراز شده است. در واقع، ۸۷ و۸۴ درصد از این دو موضوع ابراز نگرانی کرده‌اند. نکته جالب توجه میزان نگرانی از مصرف موادمخدر در جامعه به شکل عام است که میزان قابل توجهی ندارد. به علاوه، بسیاری از پاسخگویان معتقدند که دسترسی به موادمخدر در کشور آسان است. درباره پیش‌بینی میزان موفقیت دولت در ده سال آینده در امر مبارزه با موادمخدر۷ درصد گفته‌اند که موفقیت دولت در آینده خیلی زیاد و ۱۷ درصد هم گفته‌اند زیاد خواهد بود. اما ۲۸ درصد بیان داشته‌اند موفقیت دولت در آینده کم یا خیلی کم خواهد بود. درحالی که ۲۷ درصد پاسخگویان این موفقیت را در حد متوسط ارزیابی کرده‌اند، ۲۱ درصد هم پاسخ داده‌اند نمی‌دانند موفقیت دولت در آینده چگونه خواهد بود. در پاسخ به سوال مهم‌ترین اقدام دولت برای مبارزه با موادمخدر، ۲۸درصد از پاسخگویان گزینه ایجاد اشتغال و کار برای جوانان، ۲۱ درصد مقابله با ورود موادمخدر به داخل کشور و ۱۶ درصد نیز فرهنگ‌سازی را انتخاب کرده‌اند (۱۹).

بنابراین، با وجود اتخاذ کیفرهای سخت‌گیرانه از جانب دستگاه عدالت کیفری، مردم امید چندانی به حل این معضل ندارند و بر مبنای داده‌ها میزان مصرف موادمخدر را افزون‌تر از گذشته می‌دانند. این درحالی است که برای کاهش مصرف موادمخدر، بیشتر بر ایجاد فضاهای فراغتی، ایجاد اشتغال، اجرای برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی و ایجاد مراکز درمان تأکید دارند؛ اما در عمل سیاست‌گذاران کیفری با اجتناب از رویکردهای پیشگیرانه، مطالبات مردم را با کیفرهای شدید و اجرای علنی اعدام پاسخ داده‌اند.

از سوی دیگر، رسانه‌ها تصویری غیرواقعی از اعتیاد و معتادین ارائه می‌دهند و همین باعث شده سهم مطالبی که در رابطه با آموزش و پیشگیری از اعتیاد است نسبت به سایر اخبار این حوزه کاهش محسوسی داشته باشد. برای نمونه، پژوهشی که در رابطه با نگرش ۴ روزنامه کثیرالانتشار (ایران، کیهان، اطلاعات و همشهری) در خصوص

مقاله مروری
فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال پانزدهم، شماره ۳، ۱۳۹۹
[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.22517634.1399.15.3.5.5]

اعتیاد در فاصله زمانی تیر ۱۳۷۹ تا تیر ۱۳۸۰ انجام شد، نشان می‌دهد در مجموع ۱۸ مورد (۱/۲ درصد مطالب) در زمینه آموزش روش‌های پیشگیری از اعتیاد به موادمخدر منتشر شده و از مجموع ۸۴۴ مورد مطلب مربوط به اعتیاد و موادمخدر ۴۷۱ مورد (۵۵/۸ درصد مطالب) به اخبار و مطالب مربوط به کشف مواد مخدر، دستگیری قاچاقچیان و معتادان اختصاص دارد که این مطالب یک کلیشه کلی دارند که عبارت-اند از: درگیری با قاچاقچیان و دستگیری و یا به هلاکت رساندن آن‌ها و در نهایت کشف موادمخدر و در این میان تنها نام اشخاص، حوزه انتظامی کاشف و مقدار مواد مکشوفه تغییر می‌یابد.

هم‌چنین، آمار سبک مطالب نیز جالب توجه است؛ در میان قالب‌های روزنامه‌نگاری قالب خبری با ۷۱۱ مورد (۸۴/۲ درصد) سبکی است که بیش از سایر سبک‌ها مورد استفاده قرار گرفته این درحالی است که قالب مقاله و تفسیر که می‌توانند به صورت عمیق به موضوع اعتیاد و موادمخدر بپردازند ۵۷ مورد (۶/۸ درصد) مطالب را به خود اختصاص داده‌اند. به‌علاوه، ازمجموع ۸۴۴ مطلب مورد بررسی، ۶۷۱ مورد (۷۹/۵) آن‌ها نسبت به معضل موادمخدر دیدی مجرمانه داشته و مطالبی را منتشر کرده‌اند که معتاد را به‌عنوان یک مجرم در نظر گرفته‌اند. در این راستا، قانون‌گذار هم با تمسک به کیفرهای عوام گرا از جمله حبس‌های طولانی مدت، اعدام و اجرای علنی مجازات با این موج رسانه‌ای همسو شده است.با این‌حال، رشد سریع درصد معتادان به موادمخدر در جامعه، علی‌رغم هزینه‌های بسیاری که صرف بمارزه و برخوردهای قضایی و انتظامی با معتادان شده است، به روشنی مشخص کرده است که این-گونه برخوردها و طرح‌ها، راه‌حل‌های موضعی و موقتی هستند و تنها در کوتاه‌مدت می‌تواند میزان عرضه را کاهش دهد ولی بر روی تقاضا تأثیرچندانی نخواهد داشت و تقاضا هر روز در حال افزایش است.

۵- اثرپذیری دستگاه قضا از افکار عمومی جرایم مرتبط با مواد مخدر

اثرپذیری دستگاه قضا از افکار عمومی[۱۵] موجب می شود سیاست های کیفری سخت‌گیرانه، عامه‌پسند، نمایشی، احساسی و فاقد مبنای علمی باشند. در این اقدامات در جهت اقناع افکار عمومی بر سزا گرایی و علنی کردن پاسخ های کیفری تمرکز می شود. این تدابیر در حالی در دستور کار دستگاه عدالت کیفری قرار می گیرند که تنها در کوتاه مدت می توانند منجر به دستیابی به نتیجه شوند و علاوه بر این مانع از تصمیم گیری و سیاست گذاری های دراز مدت و کارشناسی شده به منظور دستیابی به نتایج موثر و پایدار می گردند.نمونه ایی از مورد را می توان در صدور بخش‌نامه شماره ۱/۸۳/۷۵۳۸ – ۱۳۸۳/۵/۱۱ توسط ریاست پیشین قوه قضاییه اشاره کرد که قضات محاکم و حتی رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل کشور را به عدم ارفاق و برخورد شدید با مجرمان مواد مخدر ملزم می نماید در این بخش‌نامه از مراجع قضایی به ویژه دادگاه‌های انقلاب اسلامی خواسته شده که در راستای برآورده ساختن انتظارات جامعه به ویژه نیروهای موثر در مبارزه با مواد مخدر، ضمن تسریع در رسیدگی، نسبت به تعیین مجازات قانونی متناسب با اعمال ارتکابی و خطارت ناشی از آنها، فارغ از رأفت معمول درباره بزهکاران عادی و فاقد سوءپیشینه اقدام کنند. علاوه بر این، بر اساس این بخش‌نامه «مقاماتی هم که قطعیت و لازم‌الاجرا شدن حکم به تأیید آنان موکول است (رئیس دیوان‌عالی کشور و دادستان کل کشور) باید در بررسی و تجدیدنظر آرا، لزوم برخورد قانونی با صاحبان محموله‌ها و عوامل تهیه و توزیع این مواد مهلک و انگیزه‌های مادی مرتکبان و تاثیر کیفر در پیشگیری از تکرار جرم را مورد التفات قرار دهند.» (معاونت آموزش قوه قضائیه، ۱۳۸۵: ۲۰۲-۲۰۳).تأکید این بخش‌نامه بر برآورده ساختن انتظارهای جامعه و نیز تاثیر کیفر بر پیشگیری از تکرار جرم به جای رعایت موازین قانونی و پرهیز از صدور احکام کیفری تبعیض‌آمیز نسبت به متهمان گروه‌های اقلیت نژادی، قومی، مذهبی، و تصمیم‌گیری شفاف و عادلانه در کمیسیون‌های عفو و بخشودگی را باید از جلوه‌های تأثیرپذیری سیاست قضایی از رویکردهای عامه پسندانه دانست. ضمن اینکه هیچ‌گونه اطلاعات علمی و تجربی در خصوص خواست واقعی مردم در این خصوص وجود ندارد و معلوم نیست مبنای قانونی توجه قضات دادگاه‌های کیفری به خواسته‌ها و انتظارهای گروه‌های مختلف مردم چیست؟ (روزنامه کیهان، ۱۳۶۰/۲/۳۱) اتخاذ این سیاست‌های سخت‌گیرانه و عوام‌گرا نظام عدالت کیفری را با بحران روبه‌رو می‌سازد. تبدیل مجازات اعدام به حبس‌های بلندمدت در رویه قضایی، افزایش بی‌رویه جمعیت کیفری زندان‌ها را به دنبال دارد (۲۰). آمارهای رسمی نشان می‌دهد به طور متوسط نزدیک به نیمی از جمعیت کیفری زندان-های ایران را محکومان جرایم مواد مخدر تشکیل می‌دهند (سایت همشهری آنلاین). افزایش جمعیت کیفری محکومان جرایم مواد مخدر در ایران با چالش‌های بسیاری مانند: تحمیل هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی هنگفت، عدم امکان رعایت طبقه بندی زندانیان، ورود مواد مخدر به زندان، ابتلای زندانیان به ویروس ایدز و مشکلات مربوط به تضمین سلامت جسمی و روانی زندانیان روبه‌رو بوده است. مدیران سازمان زندان‌ها در واکنش به این وضعیت از عدم پذیرش معتادان محکوم به حبس در زندان‌ها و اعزام آنها به اردوگاه‌های کار درمان اجباری سخن به میان آورده‌اند (سایت آفتاب نیوز).با این حال، حاکمیت عوام‌گرایی بر سیاست‌های کیفری جرایم مواد مخدر موجب شده مدیران سیاست کیفری اولویت خاصی برای سازوکارهای کیفری کوتاه مدت، ناکارآمد و فاقد مبنای علمی قائل باشند. (۲۱). برای نمونه، بر اساس تحقیقات انجام شده در استان کرمان، اعدام قاچاقچیان تأثیری بر بازدارندگی نداشته و در برخی از موارد با اعدام محکوم اعضای خانواده و بستگان وی جایگزین او می‌شوند. علاوه بر این، اعدام این محکومان موجب تسکین افکار عمومی نمی‌شود، زیرا از دیدگاه مردم و همسایگان فرد محکوم، اعدام مجرمان مواد مخدر بیش از آنکه مجازات مجرم باشد مجازات خانواده او است.

۶- ضعف و نقصان در امکانات ابزاری دستگاه قضا

ضعف و نقصان در امکانات ابزاری و- خصوصاً- نیروی انسانی دستگاه قضایی از عوامل دیگری است که می‌تواند سیاست جنایی قضایی در عمل را با آن‌چه در قانون پیش‌بینی شده است متفاوت سازد. در این میان بی‌بهرگی یا کم بهرگی تصمیم‌گیران قضایی از دانش کافی حقوقی و نیز بی‌خبری آنان از وجود مبانی معقول و انسانی در ورای

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1399.15.3.5.5]

نظام قضایی، یا به تعبیر دیگر، عدم درک صحیح از نظام حقوقی و قضایی به‌عنوان یک «سیاست جنایی»، بیشترین اثر را در ایجاد و اجرای یک سیاست جنایی قضایی نامطلوب دارد. برعکس، بهره‌مندی قوه قضائیه از نیروی انسانی آگاه، خبیر و آشنا به مبانی فلسفی و انسانی نظام حقوقی و قضایی که در آن مشغول به کار است، می‌تواند سیاست جنایی قضایی را در عمل سیاستی پویا و بالنده بسازد تا آن‌جا که الهام-بخش و جهت‌دهنده سیاست جنایی تقنینی گردد.

۷- رویکرد اخلاقی و حقوقی در حوزه جرائم مواد مخدر

اعتیاد[۱۶] و ارتکاب جرایم مواد مخدر به لحاظ حرمت شرعی و اخلاقی آنها در جامعه ایران، هم انحراف و هم جرم تلقی میشود و بر این مبنا پاسخهای دولتی و جامعوی را توأمان به دنبال دارد ولی پاسخهای دولتی به عنوان اصل و در اولویت پذیرفته شده است. البته پاسخهای غیرکیفری دولتی و جامعوی باید نظام مند و هدفمند و حدود و ثغور آنها مشخص شده باشد در غیر این صورت از نظر اصلاح و درمان و بازدارندگی مفید نخواهد بود بلکه خود جرمزا و موجب فساد است. سیاست کیفری قانونگذار در قانون مبارزه با مواد مخدر همواره مبتنی بر سرکوب، شدت مجازاتها و عدم تناسب آنهاست به نحوی که در تعیین مجازات ها به میزان قبح اجتماعی عمل، کرامت انسانی، موازین حقوق بشری و اصل عدالت که از معیارهای تناسب تلقی می شود توجه کافی صورت نگرفته است(۲۲).

اتهام نقض حقوق بشر[۱۷] در قبال اعدام های مربوط به قاچاق مواد مخدر را نیز می توان در این زمینه مورد توجه قرارداد. برای مثال مختار کلانتری فرمانده وقت کمیته انقلاب اسلامی و دبیر وقت ستاد مبارزه با مواد مخدر به تاریخ ۱۳۶۹/۹/۱۱ در نامه ای خطاب به گالیندول فرستاده ویژه بخش حقوق بشر سازمان ملل متحد به ایران گفته بود: شما به ما اعتراض می کنید که چرا قاچاقچیان مواد مخدر را اعلام می کنیم؟ ۸۰ درصد مبارزات ما به نفع اروپایی هاست. این را بدانید، احتمال دارد کشورهای ماهم یکی دوسال دیگر به این نکته برسد که از اعدام قاچاقچیانی که قصد ترانزیت مواد مخدر به اروپا دارند دست بردارد(۲۳).

نتیجه‌گیری

ایران از معدود قانونگذارانی است که به صورت مجرد و بدون در نظر گرفتن واقعیت‌های موجود به اعمال شیوه های سرکوبگرانه نسبت به جرایم مرتبط با مواد مخدر شهرت دارد. اما به رغم این سیاست کیفری سخت‌گیرانه، موفقیت چندانی به دست نیامده و اعتیاد و قاچاق مواد مخدر، سیر صعودی خود را طی کرده است. مجازات‌های سختی که قابل اجرا نیست و در نتیجه دادگاه‌ها تلاش می‌کنند که به نحوی از اعمال این مجازات‌های سخت خودداری کنند این امر نشان می‌دهد سیاست جنایی قضایی در این زمینه هماهنگ با سیاست جنایی تقنینی نیست و کاملاً در جهت مقابل آن حرکت می‌کند این تعارض به شدت بنیان های عدالت ورزی و اخلاق مداری را در سیستم حقوقی کشور متزلزل می سازد. این تعارض در سیاست جنایی قضایی و تقنینی از عوامل حقوقی و اخلاقی متعددی نظیر تعیین مجازات های شدید به خصوص در زمینه مجازات اعدام، عدم تناسب جرم با مجازات ،عدم استقلال قاضی، عدم رعایت اصول کیفردهی عادلانه توسط مقنن و تمسک به کیفرهای عوام گرا، اثرپذیری دستگاه قضا از افکار عمومی و ضعف و نقصان در امکانات ابزاری نشات گرفته و همین علل سبب می شود قضات صادر کننده حکم نهایت تلاش خود را به کار گیرند تا از ظرفیت‌های قانونی موجود نهایت استفاده را برای دور زدن مجازات به خصوص در مورد اعدام ببرند. این عدم هماهنگی بین کیفرهای تقنینی و قضایی به مرور زمان باعث بی‌اعتمادی مردم به دستگاه عدالت کیفری خواهد شد و از دیگر سو، سیاست‌گذاران کیفری با توسل به کیفرهای عوام گرا و سخت‌گیرانه سعی در از بین بردن حس ناامنی و بی‌اعتمادی مردم خواهند کرد. چنین چرخه ای منجر به متزلزل شدن بنیان های اخلاقی در سیستم قضایی و قانونگذاری خواهد شد.

ملاحظه‌های اخلاقی

در این پژوهش با معرفی منابع مورد استفاده، اصل اخلاقی امانت‌داری علمی رعایت و حق معنوی مولفین آثار محترم شمرده شده است و تمامی شرکت‌کنندگان با رضایت کامل به پرسشنامه‌ها پاسخ داده‌اند و سایر اصول اخلاقی همچون رازداری رعایت شده است.

واژه نامه

1.Criminal policy	سیاست گذاری کیفری
2.Justice	عدالت
3.Moralism	اخلاق گرایی
4.Criminal policy	سیاست جنایی
5.Normative system	نظام هنجاری
6.Ethics	اخلاق
7.Religious believes	اعتقاد مذهبی
8.Realism	واقع گرایی
9.Natural rights	حقوق طبیعی
10.Legal positivism	پوزیتیویسم حقوقی
11.Drugs	مواد مخدر
12.Punishment	مجازات
13.Legislator	قانون گذار
14.Legislative policy	سیاست تقنینی
15.Public Opinion	افکار عمومی
16.Addiction	اعتیاد
17.Human Rights Violations	نقض حقوق بشر

References

1. Bullock B. (1998). Criminology. Translated by: Hossein Najafi Abrandabadi A. (2012). Tehran: Majd Publications: 145-147. (In Persian).

مقاله مروری
فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال پانزدهم، شماره ۳، ۱۳۹۹
[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.22517634.1399.15.3.5.5]

2010. Journal of Criminal Law Research; 5 (2): 7-34. (In Persian).
13. Akbari, H. (2019). Theoretical-practical death penalty in Iranian drug law. Tehran: International Scientific-Practical Conference on Different Aspects of Criminal Policy Against Drugs. (In Persian).
14. Mehra N. (2008). The Criminal justice system in England and Wales: policies and procedures. Islamic Law; 4(16): 93-111. (In Persian).
15. Rahmadel M. (2006). Iran's legislative and judicial criminal political developments in the death penalty for drugs. Iranian Journal of Sociology; 7(1): 149-165. (In Persian).
16. Deputy J. (2006). Collection of directives (Judiciary). 3rd Vol. Qom: Ironically. (In Persian).
17. Roberts J, Stalans LJ, Indermaur D, Hough M. (2003). Penal populism and public opinion: Lessons from five countries. Oxford: Oxford University Press: Pp. 228-254.
18. Rahmadl M. (1997). Iran's criminal policy on drug abuse. 1st ed.Tehran: Khome Publications. P. 17-37. (In Persian).
19. Hajli A, Zakaria M, Hojati Kermani S. (2010). People's attitude toward drug abuse in the country. Iranian Journal of Social Issues Review; 3(1): 21-36. (In Persian).
20. Tonry M. (1996). Review: Michael Tonry and the structure of sentencing laws. Journal of Criminal Law and Criminology; 86(4): 1585-1602.
21. Gholami H. (2003). Legal-criminological investigation of repeat crimes. Tehran: Mizan Publication. Pp. 265-298. (In Persian).
22. Spencer J, Maureen S. (2007). Human rights. 2nd ed. London: Sweet Maxwell Publication. Pp. 97-130.
23. Iran Gazette. (2000). Proceedings international scientific-practical conference on different aspects of criminal policy on drugs. 1st Vol. Iran: Publication of the Official Gazette of Iran. (In Persian).

2. Hawzah website (2006). Content of justice in law. Available at: https://hawzah.net/fa/Magazine/View. Accessed: 2 Jun 2019.
3. Shohani A, Mayeli F. (2018). Ethical consideration about justice and freedom. Ethics in Science and Technology; 13(4). (In Persian).
4. Naderi MA, Moshfeghi N, Ghasemi A. (2019). The Modifying role of moral ideology in the relationship between moral leadership and organizational justice with organizational behavior. Ethics in Science and Technology; 14(4). (In Persian).
5. Zolhasani F. (2006). Fundamentals of Aristotle's theory of justice. Journal of Avicennian Philosophy; 34. (In Persian).
6. Nikkhah R, Ali Asgari E. (2015). The hidden role of ethics in law. Journal of Bio Ethics; 5(15):11-39. (In Persian).
7. Ghanad F, Akbari M. (2017). The politics of criminal politics. Criminal Law Research; 5(18): 39-67. (In Persian) .
8. Hoseini SH, Soltani M, Safari S. (2019). The effects of non-compliance with criminal and judicial criminal policy on drug defendants' attitudes. Journal of Judiciary's Law; 83(106): 169-192. (In Persian) .
9. Rahmadel M. (2006). Iran's legislative and judicial criminal political developments in the death penalty for drugs. Iranian Journal of Sociology; 7(1): 149-165. (In Persian).
10. Kemshal H. (2005). Risk–oriented criminal policy and new penology. Criminal Law and Criminology ; (34).
11. Islamic Parliament Research Center (2018). Amending the law on narcotics and substitution of its laws 1997 and its amendment 2017. Available at: https://rc.majlis.ir/fa/law/show. Accessed: (In Persian).
12. Akbari A. (2015). Investigating and criticizing the criminal policy of drug crimes in Iran with emphasis on amendments to the law on narcotics in

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1399.15.3.5.5]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1399.15.3.5.5]
[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-20]